

Research Article

Comparative Study of the Coordinates of "Hajj Travelogue" Based on Ibn Jubayr and Ibn Mazeh's Travelogue

Fazel Abbaszadeh^{1*}, Sarban Valizadeh²

Abstract

Fazel Abbaszadeh, Department of Persian Language and Literature, Pars Abad Moghan Branch, Islamic Azad University, Pars Abad, Iran. Vadood Valizadeh Sarban, Department of Islamic Studies, Pars Abad Moghan Branch, Islamic Azad University, Pars Abad, Iran Many tourists and Arab and Iranian travelers have set their destination and aim for their trip to Mecca to do the Hajj commandment and if it weren't for this goal, we would only have a few travelogues today. Meanwhile, during trip to Hajj, many belletrist have mentioned the conditions of this trip and compilation of a book in the form of a travelogue, and have created a special literary form called "Hajj travelogue" in terms of content, structure and other stylistic and literary features is different from travelogue in the general meaning. . This study wants to compare and analyze characteristics and conditions of Hajj travelogue in Persian and Arabic literature by relying on two ancient Arabic and Persian travelogues called Ibn Mazeh's travelogue entitled "Latayef Al-Azkar lelhozar and Al-safar fi Al-manasek and Al- Adab" and Ibn Jubayr's travelogue entitled " Al-Nasak's validity treatise fi Al-Karimat and Al-Manasek . The results show that both travelogues were from the title to the form and content for Hajj and for the purpose of Hajj. Characteristics and conditions in the processing of time, place, subject, and structure, etc distinguish it from other types and travelogues According to the American comparative literature School, this study investigates a comparative study of this type of literature in two said works.

Keywords: Travelogue, Litrary gener, Comparative Literature, American School, Time, Place, Structure

1*. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Pars Abad Moghan Azad University, Moghan, Iran fazil.abbaszade@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Pars Abad Moghan Azad University, Moghan, Iran

مطالعه تطبیقی مختصات "سفرنامه حج" با تکیه بر سفرنامه

ابن جبیر و ابن مازه

فاضل عباس زاده^{۱*}، ساربان ودود ولی زاده^۲

چکیده

بسیاری از جهانگردان و رحالون عربی و ایرانی مقصد و هدف سفرشان را مکه و انجام فریضه حج قرار داده اند و اگر این هدف نبود امروزه تنها با سفرنامه های انگشت شماری مواجه بودیم. در این میان، بسیاری از ادیبان در طی سفرشان به حج، به ذکر احوالات این سفر و تألیف کتابی در قالب سفرنامه پرداخته اند و شکل ادبی ویژه ای به نام "سفرنامه حج" پدید آورده اند که از جهت محتوا و ساختار و سائر مختصات سبکی و ادبی با سفرنامه به معنای عام فرق میکند. این پژوهش در صدد است ویژگی ها و مختصات سفرنامه حج را در ادب فارسی و عربی با تکیه بر دو سفرنامه کهن عربی و فارسی به نام های سفرنامه ابن مازه تحت عنوان "لطائف الأذکار للحضار والسفار فی المناسک والآداب" و سفرنامه ابن جبیر با عنوان "رسالة اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه والمناسک"، مورد تطبیق و تحلیل قرار دهد. نتیجه نشان می دهد که هر دو سفرنامه از عنوان تا شکل و محتوا برای حج و به منظور حج بوده و ویژگی ها و مختصات ویژه ای در پردازش زمان و مکان و موضوع و ساختار و غیره که آن را از دیگر انواع و سفرنامه ها متمایز کرده است. این پژوهش بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی به مطالعه تطبیقی این گونه ادبی در دو اثر مذکور می پردازد.

واژگان کلیدی: سفرنامه، ژانر ادبی، ادبیات تطبیقی، مکتب آمریکایی، زمان، مکان، ساختار

fazil.abbaszade@gmail.com

* ۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد پارس آباد مغان، مغان، ایران

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد پارس آباد مغان، مغان، ایران

۱. مقدمه

سفرنامه های پرشماری تحت عنوان سفرنامه حج در روزگار گذشته تاکنون به نگارش درآمده است. سفرنامه حج پهنای ادبیات عربی و فارسی را به طرز گسترده ای با ویژگی ها و اشکال و اهداف متنوعی به خود اختصاص داده است به نوعی که میتوان آن را یک گونه ادبی مهم و قابل ذکر شمرد که از همه نظر مختصات ادبی یک گونه ادبی را شامل میشود. این شکل ادبی هم از جهت کمیت و هم از جهت شکل و محتوا و سبک شکل خاصی از سفرنامه و حسب و حال است و اگر نتوانیم آن را یک گونه ادبی مستقل معرفی کنیم میتوانیم آن را یک گونه ادبی خاص زیر مجموعه ادبیات حسب و حال و سفرنامه قرار داد. این گونه ادبی با توجه به موضوع و هدفی که دارد ساختار و محتوایی خاص را تداعی میکند و از نظر دیگر عناصر روایت چون زمان و مکان و درون مایه و همچنین سبک و رویکرد از ویژگی های خاصی برخوردار است. سفرنامه های حج گرچه به طور اختصاصی تنها به ذکر اماکن دینی و مناسک حج پرداخته اند اما گاهی دایره نگاه و هدف نویسنده از آن فراتر رفته و به ذکر سایر رویدادها و مکانها و احوالات اجتماعی و سیاسی که طی مسیر با آن مواجه بوده را به رشته تحریر در آورده است. در مجموع سفرنامه های حج اهمیت ویژه ای دارد. این سفرنامه ها علاوه بر برخورداری از امتیازی که دیگر سفرنامه ها دارند نظیر توصیف مکانهای غیر از حج و متعلقات آن که در مسیر مسافری بوده است در ارائه توصیفات کافی و جزئی از مکه و مناسک حج و همچنین دیگر اماکن و مزارهای دینی و بقاع ائمه و بزرگان و دانشمندان و فقیهان و زاهدان، اهمیت بسزایی دارد و خواننده را از ویژگی های شهر مکه و کیفیت مناسک حج و کعبه در دوره های مختلف آگاهی می بخشد. همچنین ما را از مسیر حج حاجیان در زمان های گذشته مطابق با مبدأ خاص نویسنده آگاه میکند. این کتابها هر چند در گذشته اهمیت بسزایی داشته اند و راهنما حج برای اهالی منطقه ای بودن که نویسنده از آن آهنگ رحلت را نواخته اما امروزه به عنوان اثری تاریخی و ادبی از امتیازها مهمی برخوردار اند و همچنین به عنوان یک گونه ادبی متمایز و شاخص میتواند مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. نظر به اهمیت این گونه ادبی و نیاز به بررسی و شناخت آن، این پژوهش در صدد است جمع بندی قابل قبول و تحلیل و توصیفی نسبتاً جامع و قابل تعمیم درباره مختصات سفرنامه حج به دست بیاورد. این گونه ادبی هرچند مربوط به ایران و کشورهای عربی نمی شود و در تمامی ممالک اسلامی جهان و حتی غیر اسلامی توسط مسلمانان ادیب، کتابهایی با موضوع سفرنامه حج نگاشته شده و موجود است، اما مقاله حاضر بررسی خود را برای هرچند بیشتر ارائه دادن تحلیلی کامل و جامع و قابل تعمیم به طور تطبیقی انجام می دهد و دو سفرنامه کهن که از جهت زمانی چندان فاصله ای با هم ندارد در ادبیات فارسی و عربی انتخاب میکند: یعنی سفرنامه ابن جبیر و ابن مازه. این دو از قدیمی ترین کتابهای نگاشته شده در این باب به زبان عربی و پارسی هستند و میتوانند ویژگی های این گونه ها را به طور بکر و دست نخورده برای ما عیان سازند؛ بنابراین پژوهش حاضر با قرار دادن این دو اثر در پیکره تحقیق در صدد پاسخ گویی به سوال ذیل است:

سفرنامه حج با تکیه بر سفرنامه ابن جبیر و ابن مازه از چه ویژگی ها و مختصاتی برخوردار است؟

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص سفرنامه حج علی رغم کثرت تألیفات چه در ادبیات عربی و چه در ادبیات فارسی پژوهش های اندکی صورت گرفت است. از جمله آنها مقاله ای (۲۰۱۶م) با عنوان "دور رحلة الحج فی تعلیم اللغة العربیة فی غرب إفريقيا، نیجریا نمودجاً" از طه عبدالرحمن ساکن؛ چاپ شده در مرکز البحوث والدراسات الإفريقية - جامعة إفريقيا العالمیة. و همچنین مقاله ای دیگر (۲۰۱۶م) "رحلة حج أبی الحسن الشاذلی عبر صحراء عیذاب القرن ۷ ه و أثرها الروحی فی السودان وادی النيل". که عیناً در همان مجله و همان شماره به چاپ رسیده است از نویسنده ای به نام اسماعیل حامد اسماعیل علی. در ادبیات فارسی نیز چندین مقالات که در مجله تخصصی میقات حج در خصوص شناسایی سفرنامه های حج به خصوص در دوره قاجار نگاشته شده است مانند مقاله (۱۳۸۷) "در باره سفرنامه حج منصور" از رسول جعفریان. که در شماره شماره ۶۶ مجله میقات حج به چاپ رسیده است. همچنین مقاله ای دیگر (۱۳۸۷)، با عنوان "کعبه ستایی در شعر فارسی، «باعنایب به سفرنامه های منظوم و موجود حج"، از عیسی تقی پور، انتشار یافته در مجله دانشنامه. این مقاله به طور گزارشی به سیر تطور سروده های کعبه ستایی از آغاز تاکنون مورد بررسی قرار داده است. و مقالات و نوشته های پراکنده دیگری که به معرفی این سفرنامه ها به طور کلی پرداخته اند.

اما در این مقاله سعی می شود مختصات سفرنامه حج از جهت کمی و کیفی، ساختاری و محتوایی و سبکی با تکیه بر دو سفرنامه فارسی و عربی مورد شناسایی قرار گیرد تا از این رهگذر هم چستی و ماهیت گونه ادبی ناشناخته سفرنامه حج مشخص شود هم دو نمونه از بهترین و کهن ترین سفرنامه های حج در ادب فارسی و عربی مورد شناخت و تحلیل قرار گیرد.

معرفی سفرنامه ابن مازه و ابن جبیر

سفرنامه یا بهتر بگوییم: کتاب ابن مازه کهن ترین سفرنامه حج در ادبیات فارسی است. با نام "لطائف الأذکار للحضار والسفار فی المناسک والآداب". این اثر که تاکنون به شکل نسخه خطی موجود بوده اخیراً توسط رسول جعفریان تصحیح و منتشر شده است. «درباره نویسنده ما دست کم یک شرح حال کهن توسط ابن نجار، یکی از حرفه ای ترین مؤرخان بغداد بر جای مانده که دیگران هم آن را نقل کرده اند. بر اساس نوشته وی، تاریخ تولدش ۵۱۱ و کشته شدن وی در ۵۶۶ است. ابن نجار از سفر حج نویسنده ما به بغداد در سال ۵۵۲ یاد کرده است. (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۱). وی از اهالی بخارا و رئیس آن بود و در شمار بزرگان از شخصیت های آن، از فقیهان برجسته مشهور به علم و عقل نزد پادشاهان محترم و مقدم بود (همان، ۲۲). اما درباره کتاب او «باید توجه داشت که این اثر به عنوان یک کتاب راهنما برای زائران خانه خدا نگاشته شده است.

طبعاً نه یک اثر اعتقادی یا فقهی است و نه لزوماً یک سفرنامه یا کتاب مناسک. این در حالی است که تمامی این بخش‌ها در آن وجود دارد. یعنی آنچه یک زائر از نظر اعتقادی نیاز دارد به طور مختصر و در حد یک مجموعه در اختیار وی گذاشته است (همان، ۳۸). کتاب در مجموع از چهار قسم تشکیل شده است: فصل اول در بیان مذهب سنت و جماعت و شرح آن قدر که مسلمانان را از دانستن آن چاره نباشد، قسمت دوم در اوراد که بهر وقت اختصاص دارد و کیفیت طهارت و صلوات و شمه‌ای از احکام هر دو و دعوات در طهارت و بعد از فراغ از طهارت و نماز، قسمت سوم، در بیان وقت و آداب و فواید زیارت و اسامی گذشتگان از ائمه و علماء و زهاد و اصحاب طریقت و ارباب حقیقت و طرفی از مناقب هر یک، قدر کی درست شده است. قسمت چهارم، در مقدمات مناسک به قدر کی حاجت را لابد باشد دانستن آن و دعوات کی بدان مقامات اختصاص دارد، بی آنک بتطویل انجامد» (همان، ۶۴).

ابن جبیر که نام پدرش عبدالله بود، مردی دانشمند که خواندن و نوشتن را از وی آموخت و به ادبیات و شعر سرودن و نوشتن عنایت نمود» (المقری، ۱۹۶۸: ۳۸۲/۲). وی سه مرحله به حج سفر نمود. اولین سفر وی از سال ۵۷۹هـ تا ۵۸۱هـ به طول انجامید نویسنده مشاهدات و صحنه‌های این سفر به حج را مرقوم نموده است (العفیفی، ۲۱۰: ۲۸۷). سفر دومش را بعد از شنیدن خبر پس گرفتن بیت المقدس توسط صلیبی‌ها انجام داد و سومین سفرش به حج بعد از وفات همسرش و برای زدودن اندوه از دل انجام داد (حمیده، ۱۹۹۵: ۴۱۰). او مطابق گفته تذکره نگاران و شرح حال نویسان، ادیبی ماهر و شاعری شیرین سخن و انسانی کریم النفس بود. (الخطیب، ۱۹۷۷: ۲۳۱/۲). آنچه سفرنامه اش را از دیگر آثار متمایز میکند نگارش کتاب به صورت روزنگار است که یکی از شاگردانش آن را جمع و تدوین نمود با نام "تذکره بالأخبار عن اتفاقات الأسفار" (ضیف، ۱۹۹۰: ۷۱). و نامی دیگر با عنوان "رسالة اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه والمناسک"؛ (الکردی، ۲۰۱۳: ۳۲) «سفرنامه وی که جزو سفرنامه‌های حج است و برای عزیمت به حج نگارش شده از دیگر معلومات تهی نیست و دربردارند اطلاعات ارزشمندی از جهت سیاسی و اجتماعی است که سبب توجه خاورشناسان بدان شده است» (عکاو، ۱۹۹۴: ۱۶۶/۲).

۳. بحث و بررسی

قبل از ورود به بخش تحلیلی لازم به ذکر است که «سفر در مفهوم ظاهری و باطنی دو معنا دارد. در معنای ظاهری حرکت جسمی از مکانی به مکان دیگر است. در مفهوم باطنی یا عرفانی حرکت درونی انسان در عالم معنوی است» (آقایاری، ۱۳۹۹: ۸۸). سفرنامه حج به نوعی تداعی کننده هر دو نوع سفر است. در این بخش از مقاله به مهمترین مختصات و عناصری که سفرنامه‌های حج از آنها برخوردارند و این گروه از سفرنامه‌ها را از سایر گونه‌ها متمایز میکند پرداخته می‌شود. و آنها عبارتند از:

۱.۳. فرم و ساختار

در بحث از ساختار و ساختارگرایی، همان گونه که از نامش پیداست، به ساختار روابط اجزای یک کل می‌پردازیم و در صدد کشف آن روابط اصلی و بنیانی که قابل تعمیم به همه موارد مثلاً یک نوع ادبی یا هر نظام دیگری می‌باشد (شایگان فر، ۱۳۹۰: ۸۲). پیش درآمدین عنصر در یک شکل ادبی به ویژه از نوع ادبی سفرنامه، فرم و ساختار است. گونه روایتی و ساختار سفرنامه به طور کلی از گونه روایتی، زمانی متن گرا است؛ در این شکل روایی «که مرکز جهت گیری نگاه خواننده بر راوی واقع شود و نه بر یکی از کنشگران» (محمدی و عباسی: ۱۳۸۰: ۲۲۴). در این حالت خواننده در جهان داستان به وسیله راوی که همچون تشکیل دهنده روایت است، هدایت می‌شود» (عباسی، ۱۳۸۵: ۸۳ و لیت و لت، ۱۳۹۰: ۳۲). این موضوع درباره سفرنامه حج نیز صدق میکند و میتوان روایت آن را از نوع متن گرا و همسان تلقی کرد که راوی (ابن جبیر و ابن مازه) در مرکز مشاهدات قرار دارند هر چند در پاره ای از مواقع از دیگر شخصیت های درونی برای روایت ماجرا باری می‌جویند و این در زمانی است که نقل قول دیگران را روایت میکنند که در این حالت خود نویسنده به عنوان راوی و کنشگر در فضای روایت ظاهر نمی‌شود و دیگری یا دیگران جای او را می‌گیرد. اما سفرنامه‌ها حج به دلیل محدودیت موتیف و موضوعات و یا واقعگرایی کمتر دست به دامن راوی مساعد می‌شود. موضوعی که در سفرنامه‌هایی از نوع عجایب نامه نگاری که به ادبیات وهمناک موسوم است بیشتر دیده می‌شود. در حالی که شکل کلی روایت از ساختاری خطی برخوردار است یعنی دارای آغاز، میانه، فرجام هستند، فرم ادبی در سفرنامه‌ها دارای ساختار دورانی است «یعنی آن رمان با طی کردن سیری دایره وار همان جایی تمام می‌شود که آغاز شده است» (پاینده، ۱۳۹۴: ۳۶۱). سفرنامه حج نیز معمولاً به همین گونه است. یعنی از یک نقطه شروع میشود و به نقطه ای ختم میگردد. از آنجا که مقصد و هدف حج است گاهی هم سفرنامه‌های حج به طور اسطوانه ای به حج ختم میگردد و مؤلف شرح مسیر برگشت را ذکر نمی‌کند. علاوه بر دلیل مذکور از آنجایی که مؤلف معمولاً از همان طریقی که به حج رفته گذشته است توصیف مجدد همان امکان خودداری کرده است هر چند در بیشتر اوقات به دلیل تفاوت میسر برگشت و یا از قلم انداختن برخی مکانها شکل دورانی به عنوان شکل رایج و پر کاربرد نزد سفرنامه نگاران حج مشاهده میگردد. سفرنامه ابن جبیر به صورت دایره ای نگارش یافته و اول و پایان سفر از یک مکان شروع و به یک مکان ختم می‌گردد و آن در مکانی در اندلس و مخصوصاً غرناطه است که خانه و کاشانه سفرنامه نگار در آنجا است و نویسنده راه پر مشقت را به خاطر عطش حج پیموده است. او شروع مسیر حج را بدین نحو از شهر غرناطه روایت میکند: «وكان انفصال أحمد بن حسان و محمد بن جبیر من غرناطه، حرسها الله للنبيه الحجازية المباركة، قرنھا الله بالتيسير والتسهيل وتعريف الصنع الجميل، أول ساعة من يوم الخميس الثامن لشوال المذكور وبموافقة اليوم الثالث لشهر فبرير الأعجمي. وكان الإجتياز على جيان لقضاء بعض الأسباب، ثم كان الخروج منها أول ساعة من يوم الإثنين التاسع عشر لشهر شوال المذكور وبموافقة اليوم الرابع عشر لشهر فبرير المذكور أيضاً» (ابن جبیر، بی تا: ۷). و در پایان میگوید: «أقلعنا منها أثر صلاة الجمعة السادس عشر منه فبتنا

فی فحص قرطاجنة بالبرج المعروف بـ برج الثلاثة صهاريج، ثم منه يوم السبت إلى مرسية، ومنها في اليوم بعينه إلى لبرال، ثم منها يوم الأحد إلى لورقة، ثم منها يوم الإثنين إلى المنصورة، ثم منها يوم الثلاثاء إلى قنالش بسطة منها يوم الأربعاء إلى وادي آش، ثم منها يوم الخميس الثاني والعشرين والخامس والعشرين لأبريل إلى المنزل بغرناطة» (همان، ۲۸۴). بدین ترتیب به شکل دایره ای آغاز و انجام روایت را به هم گره می زند و روایتی دورانی به طور آشکار گردن نهاده است. مسیر برگشت ابن جبیر با مسیر رفت دلیلی دیگر بر اتخاذ چنین شکلی از سفرنامه دخیل است. او که از راه اسکندریه و مصر به طرف حجاز آمده بود سرانجام از مسیر شام و فلسطین و سپس از طریق جزیره صقلیه (همان، ۲۶۶) به شهر خود باز گشته است. اما سفرنامه ابن مازه بر خلاف معمول و غالب سفرنامه ها از شکل دورانی خودداری نموده است. زیرا اصولاً کتاب وی از جنبه روایتی و ساختار شکلی متفاوت و غیر مرسوم از سفرنامه است و بیشتر در قالب یک اثر تعلیمی و راهنمای حج تدوین شده است. ابن مازه شکل خطی را برای بیان و تشریح مزارهای مسیر از بخارا تا حج روایت کرده و به همین یکبار مسیر اکتفاء نموده است. مسلماً مسیر بازگشت وی عیناً همان مسیر عزیمت بوده است و نیاز به تکرار مکررات نبود. اصولاً یک فرق مهم ابن جبیر و ابن مازه این است که ابن جبیر شخصیتی جهانگرد بود که چندین مرتبه سفر نموده و عشق وی به سفر او را بر انتخاب مسیری دیگر برای بازگشت نموده است. حال آنکه ابن مازه چنین نبوده و فقیهی مومن بوده که هدفش از نگارش کتاب اثری تعلیمی و راهنما در سفر به حج است.

سفرنامه های حج به مانند غالب سفرنامه ها شکل منثور دارند اما در ادبیات فارسی با توجه به غلبه شکل مثنوی و توانایی و درازدستی شاعران پارسی در سرایش مثنوی بر خلاف تهی بودن ادبیات عربی از مثنوی شکل منظوم سفرنامه حج هم دیده می شود که مهمترین و کهن ترین سفرنامه منظوم حج فارسی را خاقانی شاعر دیرآشنای اهل تبریز به نام تحفة العراقین به وجود آورد. (بیگدلی، ۱۳۳۷: ۲۴).

گسترش سفرنامه نویسی به ویژه سفرنامه حج در دوره صفوی باعث شد عده زیادی از سفرنامه در این دوران به شکل منظوم و منثور پدید آید. اما در خصوص دو سفرنامه مورد بحث باید گفت که هر دو سفرنامه منثور هستند. سفرنامه ابن جبیر از نثری ادبی تر و وزین تر برخوردار است. و نثر سفرنامه ابن مازه نیز نثری روان و زیبا است هر چند از جهت ادبی و فنی به پای نثر ابن جبیر نمی رسد و از جهت املائی ویژگی هایی خاص مربوط به همان دوره را دارد و به مانند خط الرسم عربی حروفی چون "چ"، "پ"، "گ" در آن دیده نمی شود. در مجموع هر دو مؤلف از بزرگان و فقهاء و سنی مذهب بودند و نگارش سفرنامه از باب عادت و تفنن نبوده بلکه هر دو ادیبی اهل قلم و دستی توانا در ادب داشته اند. در سفرنامه خود نثری وزین و زیبا به کار برده و در پاره ای مواقع شعر را چاشنی مطالب و توصیفات خود نموده اند. اصولاً در سفرنامه حج نثر، محتاط و پایبند به قواعد اسلامی است و در آن الفاظ رکیک و عریان به کار می نرود. نثر چنین سفرنامه هایی آمیخته به آیات و روایات و دعا و درود بر بزرگان و صحابه و امامان ع است، چیزی که در دو سفرنامه مذکور مشاهده می شود.

تعداد صفحات در سفرنامه های حج کم است و این بخاطر موضوع جزئی و کم دامنه ای است که مؤلف برای تألیف برگزیده است. این موضوع در سفرنامه ابن جبیر بدلیل پرداختن مؤلف به موضوعات و توصیف دیگر اماکن و ثبت دیگر مشاهدات اندکی گسترده است و کتاب وی قریب به سیصد صفحه می رسد اما سفرنامه ابن مازه هر چند مجموعاً دوپست و اندی صفحه دارد اما مطالب به ثبت مشاهدات وی از صد صفحه تجاوز نمیکنند. سفرنامه نویسان حج بیشتر قصدشان آشنایی طالبان حج و مسافران به آداب و رسوم و مکان ها و مزارات طول مسیر بود از این رو با اختصار نمودن اثر مخاطبان بیشتر را از نوشته ها خود بهره مند می ساختند.

۲.۳. حج و متعلقات آن

اگر در حماسه رزم آوری و پهلوانی و در غزل عشق و دوستی در مقام اول و به عنوان شاخصه اصلی در صدر قرار میگیرد، در سفرنامه حج، خود موضوع حج تاپیک و بن مایه اصلی به شمار می آید. در سفرنامه حج ذکر حوادث حج و مناسک آن یا به عبارتی دیگر تشریح حوادثی که در مکه می گذرد اصل و ذکر بقیه حوادث فرع است. حال آنکه در سفرنامه های غیر حج چنین نیست و مؤلف چندان این موضوع را در صورت موجود بودن، بسط نداده است. مثلاً در سفرنامه ابن بطوطه نویسنده بیست صفحه ای را به تشریح و توصیف مکه اختصاص داده است (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۱۳۱). اما در سفرنامه حج اینگونه نیست و بخش وسیعی از سفرنامه به این موضوع پرداخته شده است.

کتاب ابن مازه که از چهار بخش تقسیم شده است، یک بخش آن به طور ویژه و با صبغه تعلیمی و آموزشی به حج پرداخته است. یعنی بخش چهارم کتاب با عنوان "شرح آداب و مناسک حج، این بخش را تقریباً یک چهارم کتاب می توان تلقی نمود که نویسنده در کتاب خرد خود ۷۰ صفحه را به موضوع حج اختصاص داده است. ابن مازه با آمیختن شیوه روایی و آموزشی به بیان ماجراهای خویش در حج و آموزش و تعلیم مخاطب در انجام این امور پرداخته است. هر چند این موضوع تنها در همین فصل محدود نمی شود و نویسنده در فصل های اولیه کتاب نیز هدف و مقصد را حج تعیین کرده و همه فصل ها تحت الشعاع این موضوع مهم قرار گرفته است. ابن مازه در این بخش تقریباً طولانی کتابش از ذکر احادیث و روایات و هر نکته مهمی درباره حج سرباز زنده است. مختصات حج را بیان کرده و از رنج و سختی که زائر در این مسیر متحمل می شود سخن گفته «بدانک در هیچ سفر به بنده مومن آن رنج نرسد که در این سفر، از نقصان مال و رنج تن و طول مفارقت اهل و اولاد و اخوان و احباب دوری اصناف اجانب و اباعت و تحمل مخاوف و اخبار و چنانک پوشیده نیست» (ابن مازه، ۱۳۹۲: ۱۶۱) و مباحث ریزتری چون داخل شدن بر کعبه، (همان، ۱۹۳) و غیره و همچنین سایر متعلقات و مناسک حج سخن میگوید.

موضوع و حج مکه با متعلقات آن بیش از صد صفحه را در سفرنامه حج ابن جبیر به خود اختصاص داده است. نویسنده با تانی و کندی خاص به وصف حج و معلقات آن از زمانی که به شهر مکه درآمد تا زمانی که از مدینه خارج شد را نقل میکند و تلاش میکند و نکته و صحنه ای را از قلم نیاندازد. هدف سفر او حج و انجام فریضه حج بوده است. از این رو هم از جهت عاطفی به این موضوع دلبستگی

دارد و هم اینکه به طور فنی کتابی که در حال نگارش آن است سفرنامه حج است. بنابراین به جای پرداختن به تمام جزئیات شهرهایی دیگر چون اسکندریه و دمشق و عکا که از آنها گذر کرده به طور مبسوط و گسترده ای به وصف مکه و مراسم حج و مزارات و ویژگی های شهر مکه و مدینه پرداخته است. با این فرض که سفرنامه ابن جبیر ۲۸۰ صفحه است بیش از یک سوم کتاب وی در خصوص حج و متعلقات آن است. او اطلاعاتی دقیقی از مناسک حج و ویژگی کعبه و مکه و نواحی اطراف در قرن هشتم ارائه می دهد که امروزه به عنوان یک سند تاریخی در شناخت پیشینه حج و متعلقات آن مهم است. به عنوان مثال مدفن ها و درهای کعبه را دقیقاً ذکر میکند (همان، ۷۸) و از سنگی که در یکی از ابواب کعبه قرار دارد «من عجیب ما عرض علينا باب بنی شیبۀ المذکور، عتب من الحجاره العظام طولاً، كأنها مصاطب صفت امام الأبواب الثلاثة المنسوبة لبني شيبه، ذکر لنا أنها الأصنام التي كانت قريش تعبدها في جاهليتها» (همان، ۸۰) و پرداختن به دیگر جزئیات و متعلقات و موارد مربوط به حج و شهر مکه و مدینه و حرم شریف رسول اکرم که چون تابلویی بی عیب و نقص کامل و جامع ارائه داده شده است. در مجموع این قضیه یعنی نگاه به حج و متعلقات آن به عنوان تاپیک اصلی سبب شده که نویسنده با توجه به سبکی که دارد از تمام جزئیات حج سخن بگوید و اطلاعات ارزشمندی از جهت دینی و تاریخی به خواننده ارائه دهد؛ بنابراین حج را با صراحت میتوان مهمترین بن مایه و محتوا در چنین سفرنامه هایی دانست که اگر سفرنامه ای با هدف حج نگاشته شده باشد به طور وسیعی به این موضوع پرداخته و دامن زده است.

۳.۳. عنصر زمان

سفرنامه قبل از آنکه نوع ادبی سفرنامه باشد یک شکل داستانی و روایی است و در آن یک راوی عنصر روایت را پدید می آورد. پس بایسته است به مثابه یک روایت از عناصر روایی از قبیل پیرنگ و شخصیت و زاویه دید و کنش و زمان و مکان برخوردار باشد. اما سفرنامه حج در نوع به کارگیری این عناصر با دیگر انواع متناظر داستانی تفاوت دارد و این تفاوت است که از آن یک گونه ادبی مستقل ساخته است. لازم به ذکر است که این عنصر سفرنامه حج را از سایر سفرنامه ها متمایز میکند. طبیعتاً میزان و مدت سفر یا زمان در سفرنامه بلند است. اگر به سفرنامه های غیر حج نظری بیافکنیم مانند سفرنامه ناصر خسرو خواهیم دید که سفر او گزارشی از سفر هفت ساله است که نویسنده حوادث و ماجراهای خود را در هفت سال آژگار برای خواننده در میان می گذارد. یا سفرنامه ابن بطوطه که ۲۹ سال به طول می انجامید و نگارنده ما وقع این سالهای و سفرهای طولانی را می نگارد. زیرا سفرنامه نویس قبل از اینکه نویسنده باشد راغب به جهان گردی است. او در طی مدت طولانی مناطق زیادی از جهان را در می نوردد و بعد از پایان آن و یا در حین سفر مشاهدات خود را مرقوم می فرماید. اما سفرنامه حج از زمانی کوتاه برخوردار است و هدف واحد نویسنده و مقصد یگانه وی در این سفر او را از یک نقطه به نقطه دیگر می رساند. در دو سفرنامه مورد نظر عنصر زمان به کار گرفته شده. همین ویژگی مشخص یعنی کوتاهی، که قابل تعمیم به اکثر گونه ادبی سفرنامه حج می باشد، قابل مشاهده است.

سفرنامه ابن جبیر علی رغم بعد مسافت میان اندلس و تا مکه و عراق و مکت طولانی سفرنامه نویسی در برخی از مکانها و مسیرهای دشوار که زمان زیادی می برد تنها سه سال به طول انجامید و از ماه شوال سال ۵۷۸ آغاز و به صورت ماهانه به ماه محرم ۵۸۱ ختم شده است. شاید سه سال زمانی کوتاهی نباشد و تأیید گر مؤلفه قابل ذکر ما در این خصوص نباشد. اما با توجه به اهداف غیر حج که برای ابن جبیر جهانگرد مصور بود و وی را علاوه بر مراسم حج و انجام مناسک آن به تعمق در دیگر آثار و توقف در دیگر شهرها و آبادی ها میکشاند و همچنین دوری مسیر، سفرنامه وی در این فاصله زمانی انجام پذیرفت. همچنین باید گفت که سه سال هر چند زمانی تقریباً طولانی است اما با توجه به سفرنامه های غیر حج که بیش از این مقدار را در بر میگرفت زمانی کوتاه به شمار می آید. ابن جبیر مشاهدات خود را بعد از انجام سفر و فریضه حج به شکل روزانه ترتیب و منظم کرد. وی به عنصر زمان کاملاً وفادار بود و روزها را ذکر آدرس دقیق و معادل عربی و میلادی آن ذکر میکند و سفرنامه وی به مانند بسیاری از سفرنامه ها به صورت تقویمی و کروونوتروپی انجام می گیرد. راوی حتی نام روزها را از قبیل روز شنبه و یکشنبه و ذکر میکند. برخی از ایام و روزها از آنجایی که صحنه قابل ذکری در آن روز ندیده و ماجرا و حالت اجتماعی و سیاسی ذهن ورد را به خود جلب نساخته از دایره زمان خارج شده است.

سفرنامه ابن مازه به مانند سفرنامه ابن جبیر و از جهت هدف از آن کمتر و از جهت مسافر از آن نزدیکتر و از این رو از جهت زمان از آن مختصرتر ارائه گردیده است. زمان دقیق عزیمت وی و بازگشت ابن مازه به سفر حج دقیقاً مشخص نیست. ولی به خط خود وی آشکار است که ابن مازه در سال ۵۵۲ این سفر را انجام داده است «چون در شهر سنه اثنطن و همین و خمسیه عزم زیارت بیت الله کعبه معظمه مشرفه و تربت پاک محمد رسول الله افتاد» (ابن مازه، ۱۳۹۲: ۳۲). اما دیگر دقیقاً مشخص نمی کند در چه ماه و چه روزی عزم سفر کرد و چه ماه و چه روزی از سفر بازگشت. ابن مازه سفرنامه خود را بعد از پایان سفر در ساختار کتابی تعلیمی و آموزشی نگاشته است اما در پاره اوقات مقید به قواعد سفرنامه نگاری بوده است به ویژه زمانی که در اتخاذ زمان تقویمی و ترتیبی به ثبت و شرح وقایع و اماکن می پردازد. دو فصل پایانی وی که اختصاصاً به ماجراهای سفر وی مربوط می شود به توصیف مزارات از بخارا تا مکه و سپس ماجراها و مناسک حج و مزارت و بقاع موجود در مکه و سپس مدینه می پردازد و این نشان از رعایت زمان ترتیبی توسط ابن مازه دارد. غیر از لحاظ این شگرد، زمان مطابق با قاعده اصلی سفرنامه وی کوتاه و مختصر است. هر چند دقیقاً ذکر نشده اما گمان می رود در طول یک سال انجام پذیرفته است. زیرا خود محقق کتاب رسول جعفریان زمان تألیف این کتاب را همان سال ذکر میکند و قصیده سوزنی در مدح ابن مازه در این سال را دلالت بر بازگشت مؤلف در همین سال دارد.

۴.۳. ادبیات زیارت

این گونه سفرنامه ها را میتواند زیر مجموعه ادبیات زیارت به حساب آورد. زیرا علاوه بر آنکه قسمت عمده و بخش اصلی این کتاب مربوط به توصیف مکه و حج و کعبه و مناسک حج است مؤلف

در طی مسیر مزارات و اماکن مذهبی را توصیف میکند و آن را در درجه اول اهمیت قرار می دهد. سفرنامه نویسان از نقطه ای که سفر خود را شروع میکنند تا نقطه که این مسیر به پایان می رسد یعنی مکه به عنوان مقصد و هدف اصلی از نواحی مختلفی گذر میکنند تمامی این نواحی توجه نگارنده را جلب نکرده و صفحاتی برای همه آنها اختصاص نمی دهد و اگر چنین کند مسلماً اماکن و موقعیت های زیارتی بیش از همه در سیاه کردن صفحات سفرنامه دخیل هستند. ابن جبیر که مسیر طولانی را برای رسید به مقصد در پیش دارد از نواحی زیادی گذر میکند که از مهمترین آنها مصر و شهرهای بزرگ آن چون اسکندریه و قاهره است. زمانی که در قاهره به سر می برد بقبع و مزار باران پیامبر و زهدان و دینداران را بیش از همه مورد توجه قرار می دهد؛ به عنوان مثال عنوان هایی چون "ذکر مشاهد أهل البیت رضی الله عنهم، مشاهد الشرفیات، مشاهد بعض أصحاب النبی"، "مشاهد الأئمة العلماء الزهاد" (ابن جبیر، بی تا: ۱۹ تا ۲۲). یا زمانی که در راه بازگشت از دمشق گذر می کند به طور ویژه و اساسی مسجد جامع معروف دمشق (همان، ۲۱۱) یا دیگر مزارها و بقعه های شریف و دینی آنجا را مورد شرح قرار می دهد (همان، ۲۲۱). زمانی که ابن جبیر در مکه و مدینه به سر می برد، شاید هیچ مکان زیارتی و مسجد و مشهد و مزاری نباشد که به توصیف آن نپرداخته باشد. بنابراین سفرنامه ابن جبیر با بهره مندی از توصیف انبوهی از مکان های مذهبی و زیارتی جزو ادبیات زیارت قرار گیرد و به مانند بیشتر سفرنامه های حج در تشکیل و باروری ادبیات زیارت سهیم است و مکانها و مساجد و مکانهای زیارتی که در پس دوره های گذشته نابوده شده را به جای گذاشته است و پیشینه اماکن زیارتی و چه آنهایی که هنوز پابرجا و پرفروغ است را ثبت نموده است.

اگر نیمی از سفرنامه ابن جبیر را بدلیل پرداختن به موضوع زیارت و توصیف مکان های مذهبی جزو ادبیات زیارت به شمار آوریم سفرنامه ابن مازه بالکل در این مجموعه جای میگیرد. ابن مازه در سفرنامه متفاوت خود از روش سنتی و معمول و غالب سفرنامه نویسان پیروی نکرده بلکه به انسجام میان فصول توجه نموده اینکه حوادث و رویدادهای مربوط به حج را در یک فصل و فصلی دیگر را اختصاص داده به توصیف اماکن زیارتی که نویسنده در طی مسیر دراز خود از بخارا تا مکه از آنها گذشته است. بدین سان سفرنامه وی بر خلاف سفرنامه ابن جبیر در کنار توصیف اماکن مذهبی و موضوع حج به دیگر نواحی و اماکن سیاحتی و تاریخی نپرداخته و به طور تخصصی تنها به توصیف اماکن زیارتی پرداخته است که این موضوع ورود سفرنامه وی را به ادبیات زیارت با توجه بیشتری اثبات می گرداند. وی که مقید به نظم زمانی شرح این مزارات را از بخارا نقطه شروع سفر و زادگاه خویش آغاز میکند ابتدا به توصیف مزارات موجود در این شهر می پردازد. اما قبل از آنکه مزارات شهر بخارا را به طور کلی شرح دهد به توصیف مکان موسی سید عالم در کلاباد، قریه که ابن مازه در آنجا زاده شد و حرکت کرد می پردازد. (ابن مازه، ۱۳۹۲: ۸۱). نویسنده تمامی مزارهای موجود در شهرهایی که از آن می گذرد را یکی پس از دیگری روایت میکند. با عناوینی چون "مزارات شهر مرو" (همان، ۱۱) و به همین ترتیب شهر سرخس و نیشابو و بسطام و سمنان و ری و همدان و کرمان تا اینکه به مزارات شهرهای عراق چون کوفه (همان، ۱۵۵) می پردازد. هرچند ممکن است

مکانهایی را از قلم انداخته باشد اما با توجه به مذهب اهل سنت نویسنده مکانهایی که بیشتر مورد توجه این فرقه بوده توسط ابن مازه به تصویر کشیده شده است. نویسنده خود این مکانها را زیارت میکند؛ در واقع توصیف مکانی که نویسنده آن را زیارت نکرده و از نزدیک ندیده باشد در سفرنامه وی دیده نمی شود. ابن مازه در کنار توصیف مزارات شرحی از صاحب آن بقعه و ضریح هم ارائه می دهد که جمله آنها از علماء و بزرگان و ائمه دین و اخلاقند. به عنوان مثال در معرفی و شرح مزار شیخ عبدالله دستانی می نویسد: «دیگر شیخ عبدالله دستانی است - قدس الله روحه از بزرگان بسطام و مقدم اهل طریقت و یگانه روزگار، و مناقب او بی شمار است و در حال حیوه گفته بود که چون ما برویم، بر سر خاک ما قبه ای بزنند، یعنی بایشان منزلت ما بود. آنگاه پس از وفات او درختی از موضوع ناف او بیرون آمد، بر مثال قبه ای» (همان، ۱۳۱). بنابراین ابن مازه با هدفی مشخص به سمت ثبت اماکن زیارتی پیش می رود و مجموعه و کالکشن زیادی از مزاراتی که از بخارا تا مکه بر سر راه وی بوده را به خواننده معرفی میکند. وی سفرنامه نویسی الگومدار و منسجم است که از پراکندگی پرهیز میکند و به طور تخصصی از حج و اماکن زیارتی سخن میگوید و نمونه درست و واقعی سفرنامه حج را پدید آورده است که میتوان جزوی از خانواده بزرگ ادبیات زیارت و یا نزدیک به آن رویکرد باشد.

۵.۲. صبغه تعلیمی

یکی از اهداف سفرنامه های حج آگاهی مخاطبین و شنوندگان و خوانندگان و حلقه مومنان از آداب و مناسک حج و ارائه معلوماتی دقیق از انجام حج و کعبه و شهر مکه و مزارات و مساجد اطراف است. از این رو سفرنامه ها به طور کلی هر چند با جنبه تعلیمی جغرافیایی در تلاشند خواننده را با اماکن جغرافیایی ناشناخته و یا کمتر شناخته آگاهی کنند و اطلاعاتی درباره عمارت ها و آداب و فرهنگ مردم نواحی مختلف در اثر خود به رشته تحریر در آورد اما در سفرنامه حج این صبغه تحلیلی و اختصاص صفحات و یا بخش ها و فصولی به این امر جایگاه ویژه ای دارد و نویسنده که در آغاز هدف گزارش رویدادها حج بود از آنجا که خود از فقیهان بزرگ و افراد مؤثر و دانا به امور و مناسک حج بوده این معلومات را برای طالب حج ارائه می دهد.

ابن جبیر که بخش نسبتاً مفصلی از سفرنامه خود را به ماجرای حج و رویدادهای پیرامون آن اختصاص داده است در بخشی ویژه به مناسک حج پرداخته است. هرچند رویکرد ابن جبیر به مانند دیگر سفرنامه نویسان جنبه توصیفی دارد تا جنبه تعلیمی؛ اما در پاره ای از اوقات از صبغه تعلیمی بی بهره نیست. مثلاً زمانی که مواضع آداب جمره سخن میگوید، بیان می دارد که «... کما ذکرناه، وهی المحلات للحاج ما حرمة علیه سوی النساء والطیب، فتلك تکملة تسع و أربعین جمره» (ابن جبیر، بی تا: ۱۲۱). اما در سفرنامه ابن مازه تعلیم در صدر اهداف نویسنده قرار دارد. اصولاً کتابی که نویسنده در صدد نگارش آن بوده است تعلیم آداب مناسک است. عنوان کتاب نیز آشکارا بر این مفهوم دلالت دارد. ابن مازه در فصل خاصی از کتاب خویش، یعنی آخرین و چهارمین فصل سفرنامه به این امر اختصاص داده است. عنوان فصل مذکور عبارت است از «شرح آداب و مناسک حج و زیارت

مزارات مکه و مدینه». (ابن مازه، ۱۳۹۲: ۱۶۰). نویسنده در این کتاب از نحوه حج و آدابی که حاجی باید به جا بیاورد سخن گفته و با توجه به وجود من روایتی در داستان خود به عنوان متکلم و راوی این مفاهیم و آداب را با جنبه داستانی تعلیم میدهد اما قهرمان قصه او حاجی است که این گفته ها و توصیه ها را نه با ضمیر مخاطب و با رعایت اصل مخاطب چون موعظه گر بلکه به عنوان سفرنامه نویس و با جنبه توصیف و روایت نقل میکند. مثلاً زمانی که در باب ستردن موی حاجی هنگام اجرای مناسک گوید: «و چون بموی ستردن بنشیند، این آداب نگاه دارد: اول روی بقیله نشیند و دلاک را بگوید تا ابتدا از جانب راست کند و در وقت حلق خاموش باشد، و چون فارغ شد سر را آب بریزد و دور رکعت نماز کند و...» (همان، ۱۹۰). مثلاً در باب خوردن از آب زمزم گوید: «وبعد از آن بچاه زمزم آید و از آب او بخورد ایستاده و بر سر و سینه خود ریزد و بسیار خورد، جنانک که پیش نتواند خوردن، زیرا کی مصطفی (علیه السلام) فرموده است...» (همان، ۱۹۴) و موارد دیگر. پس همانگونه که ملاحظه می شود، ابن مازه مراحل حج را در اصل با صبغه روایتی و تعلیمی که مسیر حاج را از نحوه ورود به مکه و حج و زیارت دیگر مناسک با ضمیر سوم شخص روایت میکند و در آن با صبغه تعلیمی آداب و مناسکی که شایسته است حاجی آن را به جای بیاورد را ذکر میکند و تنها به توصیف ما جری نمی پردازد. زیرا قصد وی از سفرنامه حج نگاشتن به مانند دیگر سفرنامه نوشتن توصیف و گزارش مکنونات و ناشناخته ها نیست بلکه با این عمل سعی دارد شخص طالب حج را آگاهی کامل ببخشد و با دادن صبغه تعلیمی به روایت وی جزئیات اجرای مناسک حج را با نظری محققانه و کارشناسانه و در متنی ادیبانه ذکر میکند.

نتیجه

دستاوردهای به دست آمده از این تحقیق را میتوان در موارد زیر خلاصه نمود:

سفرنامه حج از جهت ساختار معمولاً خطی هستند نه دورانی به دلیل اینکه هدف سفرنامه نگاران جهانگردی نبود، هرچند در میان برخی از این سفرنامه ها به دلیل وجود اهداف دیگر دورانی هم دیده می شود مانند سفرنامه ابن جبیر. از آنجایی که هدف چنین نویسندگانی از سر تفنن نبوده است از نثری وزین و پر مایه برخوردار است و از جهت سبک نیز متصف به اصول اسلامی و از جهت حج کوتاه و مختصر اند.

موضوع و بن مایه اصلی سفرنامه حج، توصیف حج و مکه و متعلقات آن است و این موضوع در چین سفرنامه ای اصل و بقیه مشاهدات و صحنه ها فرع به حساب می آیند. نویسندگان سفرنامه حج کوتاه ترین مسیر را برای رسیدن به حج و انجام فریضه حج و وصف کافی و جزئی نگرانه مکه و حج و متعلقات آن آغاز میکند به نحوی که این موضوع با دقت و جزئی نگری و از جهت کمی صفحات زیادی در سفرنامه حج را به خود اختصاص داده است. در دو نمونه مورد بحث تقریباً یک چهارم سفرنامه را موضوع حج و متعلقات آن دربرگرفته بود.

درحالی که زمان روایت در سفرنامه‌ها معمولاً طولانی و گاهی اوقات نویسنده کل عمر را به سفر پرداخته و مشاهدات آن را ثبت می‌کند سفرنامه حج از زمانی کوتاه و مختصر برخوردار است و معمولاً از دو سه سال تجاوز نمی‌کند. این سفرنامه‌ها در طول یک سال انجام می‌گیرد اما گاهی بنا بر اهداف دیگر اندکی طولانی‌تر می‌شود، مانند سفرنامه ابن جبیر که در مقایسه به سفرنامه ابن مازه که در طی یک سال انجام پذیرفت، در دو سال اندی انجام پذیرفت.

همسو با موضوع حج، محور ادبیات زیارت در سفرنامه حج بازتاب گسترده‌ای پیدا کرده است. این گونه نویسندگان در مسیر رفت و بازگشت به طور ویژه به توصیف مساجد و مزارات پرداخته و کمتر مکانی را از قلم انداخته‌اند. این موضوع در سفرنامه ابن مازه آشکارا به کار گرفته شده است و نویسنده تنها به مزارات و مساجد در طی مسیر پرداخته است. اماکن زیارتی و مذهبی در سفرنامه ابن جبیر نیز به فراوانی دیده می‌شود.

جنبه تعلیمی در سفرنامه ابن مازه بیش از سفرنامه ابن جبیر به کار رفته است و این از عنوان و شناسنامه اثر ابن مازه که راهنمای حج است مشخص است. به عنوان مثال ابن مازه بیشتر با صبغه تعلیمی از آداب و رسوم و مناسک حج در دوران گذشته سخن گفته است حال آنکه ابن جبیر با جنبه روایی از مختصات جغرافیایی و معماری و مادی حج سخن گفته است و اطلاعات ارزشمندی را در این خصوص ارائه داده است.

منابع

- آقایی، رضا (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی دیدگاه سنایی و مولوی درباره سفر، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهاردهم، ش ۵۳، ۸۷ - ۱۰۷
- ابن بطوطه، (۱۹۹۲)، رحله، بیروت: دارصادر
- ابن مازه، عبدالعزیز، (۱۳۹۲)، لطائف الأذکار للحضار والسفار فی المناسک والآداب، تهران: علم
- ابن جبیر، أبو الحسن (۱۹۸۱م). رحله ابن جبیر، بیروت: مکتبه الهلال.
- ابن خطیب، لسان الدین (۱۹۹۷م). الإحاطة فی أخبار الغرناطة، القاهرة: مکتبه الخانجی.
- اسماعیل علی، اسماعیل حامد (۲۰۱۶)، رحله حج أبی الحسن الشاذلی عبر صحراء عیذاب منتصف القرن ۷/۱۳هـ وأثرها الروحي فی سودان وادی النيل، مرکز البحوث والدراسات الإفريقية - جامعة إفريقيا العالمية.
- بیگدلی، آذر (۱۳۳۷)، تذکره آتشکده، تهران: انتشارات علمی
- پاینده، حسین (۱۳۹۴) گشودن رمان؛ چاپ سوم. تهران: انتشارات مروارید
- تقی پور، عیسی (۱۳۸۷)، کعبه ستایی در شعر فارسی، با عنایت به سفرنامه‌های موجود و منظوم حج، مجله دانشنامه، دوره ۱، صص: ۴۹-۶۶
- حمیده، عبدالرحمن (۱۹۹۵م). أعلام الجغرافیین العرب، دمشق: دارالفکر المعاصر.
- ساکن، طه عبدالرحمن (۲۰۱۶) دور رحله الحج وأثرها فی تعليم اللغة العربیة فی غرب إفريقيا "نیجیریا نموذجاً"، مرکز البحوث والدراسات الإفريقية - جامعة إفريقيا العالمية

- شایگان فر، حمیدرضا (۱۳۸۶). مکاتب نقد ادبی. تهران: دستان
- ضیف، شوقی (۱۹۶۹م). الرحلات، القاهرة: دار المعارف.
- عبدالفتاح، عثمان (۱۴۲۲ق). القصة القصيرة الإسلامية، مجلة الأدب الإسلامي، عدد الثلاثين، صص ۶۷-۸۲.
- العفيفي، محمد الصادق (۲۰۱۰م). تطور الفكر العلمي عند المسلمين، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- عكاوي، رحاب خضر (۱۹۹۴م). موسوعة عباقره الإسلام، بيروت: دارالفكر العربي.
- عوض، ابراهيم، (۱۹۹۲م) رحلة ابن جبیر الأندلسي، دراسة في الأسلوب؛ القاهرة: مطبعة الاوفست الحديث
- کردی، علی ابراهيم، (۲۰۱۳)، أدب الرحل في المغرب والأندلس، منشورات الهيئة الهامة السورية للكتاب، دمشق: وزارة الثقافة.
- لینت ولت، ژپ. (۱۳۹۰). رساله‌ای در باب گونه شناسی روایت- نقطه دید، ترجمه علی عباسی و نصرت حجازی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- المقری التلمسانی، أحمد بن محمد (۱۹۶۸م). نفع الطيب من غصن الأندلس الرطيب، بيروت: دار صادر.
- عباسی، علی و محمدی هادی. (۱۳۸۰). صمد: ساختار یک اسطوره، چاپ اول، تهران: چيستنا.
- Aghayari, Reza (1399), A Comparative Study of Sanai's and Rumi's Views on Travel, Studies in Comparative Literature, Vol. 14, No. 53, 87-107
- Ibn Battuta, (1992), Rahla, Beirut: Dar Sadr
- Ibn Mazah, Abdul Aziz, (2013), Latif al-Azkar for the presence of Safar in Al-Manasak and Adab, Tehran: Alam
- Ibn Jubayr, Abu al-Hasan (1981). Death of Ibn Jubayr, Beirut: Al-Hilal School.
- Ismail Ali, Ismail Hamed (2016) The Exodus of Hajj Abi Al-Hassan Al-Sahdhali, Abbar Sahra'a, the Punishment of the Seven Centuries of the 7th Century, 13 AH
- Bigdeli, Azar (1337), Tazkereh Atashkadeh, Tehran: Elmi Publications
- Payandeh, Hossein (2015) Opening the novel; Third edition. Tehran: Morvarid Publications
- Taghipour, Issa (2008), The Kaaba of Praise in Persian Poetry, Considering the Existing Travelogues and the Poem of Hajj, Encyclopedia Magazine, Volume 1, Pages: 49-66
- Hamid, Abdul Rahman (1995). The Arab Geographers, Damascus: Contemporary Thought Center.
- Inhabitant, Taha Abd al-Rahman (2016) The Circle of the Exodus of Hajj and its Impacts on the Teaching of the Arabic Language in the West of Africa "Nigeria"
- Shayganfar, Hamid Reza (1386). Literary Criticism Schools. Tehran: Hands
- Zeif, Shoghi (1969). Al-Rahlat, Al-Qahra: Encyclopaedia.
- Al-Afifi, Muhammad al-Sadiq (2010). The evolution of scientific thought in Muslims, Al-Qahirah: The Divine Message of the Public in the Book.
- Ekavi, Rahhab Khezer (1994). Encyclopedia of Islam, Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Awad, Ibrahim, (1992) The death of Ibn Jubayr al-Andalusi, Drasa fi al-Asulub; Al-Qahra: Al-Awfast Al-Hadith Press
- Kurdi, Ali Ibrahim, (2013), Adab al-Rahl fi al-Maghrib wa Andallas, Theological Publications of the Inspiration of the Syrian Book, Damascus: Ministry of Endowments.
- Lint Volt, Jeep. (1390). Treatise on Narrative Typology - Point of View, Translated by Ali Abbasi and Nusrat Hejazi, First Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Al-Muqari al-Talsamani, Ahmad ibn Muhammad (1968). Nafh al-Tayyib from Ghassan al-Andalus al-Ratib, Beirut: Dar Sader.

Abbasi, Ali and Mohammadi Hadi (2001). Samad: The Structure of a Myth, First Edition, Tehran: Chista.

ارجاع: عباس زاده فاضل، ولی زاده ساریان ودود، مطالعه تطبیقی مختصات "سفرنامه حج" با تکیه بر سفرنامه ابن جبیر و ابن مازه، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۳۷-۵۲.